

وفات آیت الله شیخ محمدتقی بهجت، خاتم‌العرفا والمجتهدین (1430ق)

حضرت آیت‌الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ق در خانواده‌ای دین‌دار و تقوایی، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان چشم به جهان گشود.



حضرت آیت‌الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ق در خانواده‌ای دین‌دار و تقوایی، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان چشم به جهان گشود. هنوز شانزده ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از او ان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید. درباره نام آیت‌الله بهجت خاطره‌ای شیرین از یکی از نزدیکان ایشان نقل شده است: «پدر آیت‌الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می‌افتد و حالش بد می‌شود به گونه‌ای که امید زنده ماندن او از بین می‌رود وی می‌گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمدتقی است. تا این که با آن حالت خوابش می‌برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می‌کند وی از دنیا رفته است اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می‌شود و حالش رو به بهبودی می‌رود و بالاخره کاملاً شفا می‌یابد. چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می‌گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می‌برد. بعد از ازدواج، نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می‌گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سوم را خدا به او می‌دهد، اسمش را محمدحسین می‌گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می‌کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می‌افتد و وی را «محمدتقی» نام می‌نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می‌افتد و از دنیا می‌رود تا این که سرانجام پنجمین فرزند را دوباره «محمدتقی» نام می‌گذارد، و بدین سان نام آیت‌الله بهجت مشخص می‌گردد.»

کربلایی محمود بهجت، پدر آیت‌الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت و اسناد مهم و قبالة‌ها به گواهی او می‌رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مرثیاتی اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام شعر می‌سروده، مرثیه‌های جان‌گدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبان زد مداحان آن سامان است. آیت‌الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه سیدالشهداء علیه‌السلام بود و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره‌مندی از انوار آن، بار آمد. از همان کودکی از بازی‌های کودکانه پرهیز می‌کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود و عشقی فوق‌العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه‌گر. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیاورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ق هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می‌گذشت، به عراق مشرف شد و در کربلای معلی اقامت گزید. بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظم له خود به مناسبتی فرمودند: «بیش از یک سال از اقامت در کربلا گذشته بود که مکلف شدم.» آری! دست تربیت حضرت رب سبحانه همواره بندگان شایسته را از او ان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می‌پاید، تا در بزرگسالی مشعل راهبری راه پویان طریق الی‌الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت‌الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلی می‌ماند و از فیوضات سیدالشهداء علیه‌السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می‌پردازد و در طی این مدت، بخش معظمی از کتاب‌های فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهر می‌خواند. در سال ۱۳۵۲ق برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرف می‌گردد و قسمت‌های پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت‌الله آقاشیخ مرتضی‌الطالقانی به پایان می‌رساند. با این همه، همت او تنها مصروف علوم دینی نبوده بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان ناآرام او را به جست‌وجوی مردان الهی و اولیاء برجسته‌و امی داشته است. آیت‌الله بهجت پس از اتمام دوره سطح و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سیدابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و میرزای نائینی، به حوزه گران قدر و پرمحتوای آیت‌حق حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به غروی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی - که دارای فکری سریع و جوال و متحرک و همراه با تیزبینی بوده است - بهره‌ها برد. آیت‌الله بهجت در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استكمال معنوی همت گمارده و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی برآمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می‌برد. پس از مشرف شدن به نجف اشرف، از استاد برجسته خویش آیت‌الله شیخ محمدحسین اصفهانی (غروی) استفاده‌های اخلاقی می‌نماید. هم چنین در درس‌های اخلاقی آقا سیدعبدالعفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می‌نموده تا این که در سلک شاگردان حضرت آیت‌الله سیدعلی قاضی درآمده و درصدد کسب معرفت از ایشان برمی‌آید، و در ۱۸ سالگی به محضر پرفیض عارف کامل حضرت آیت‌الله سیدعلی آقای قاضی بار می‌یابد و مورد ملاحظت و عنایات ویژه آن استاد معظم قرار می‌گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می‌کند که غبطه دیگران را برمی‌انگیزد. ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ق (موافق با ۱۳۳۴ش) به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً درحالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام و اطلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می‌شد، لذا ایشان

تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند. در قم از محضر آیت الله العظمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد و هم چون حضرات آیات عظام امام خمینی (ره)، گلپایگانی و... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد. آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام: اصفهانی، غروی و شیرازی حضور می یافت ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالی را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می داد. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توان گفت که آیت الله بهجت بیش از چهل سال به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرد و فضیلتی گران قدری سالیان دراز از محضر پرفیض ایشان بهره بردند. آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول می باشد که خود برای چاپ اکثر آن ها اقدامی نکرد و گاه به کسانی که می خواستند آن ها را حتی با غیر وجوه شرعی چاپ کنند، اجازه نمی داد و می فرمود: «هنوز بسیاری از کتاب های علمای بزرگ سال هاست که به گونه خطی مانده، آن ها را چاپ کنید، نوبت این ها دیر نشده است.» برخی تألیفات معظم له عبارت اند از: یک دوره کامل اصول، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری و تکمیل آن تا آخر مباحث مربوط به مکاسب و متاجر، دوره کامل طهارت، دوره کامل کتاب صلاة، دوره کامل کتاب زکات، دوره کامل کتاب خمس و حج، حاشیه بر کتاب ذخیره العباد مرحوم شیخ محمدحسین غروی، تقریباً یک دوره فقه فارسی، حاشیه بر مناسک شیخ انصاری و... با این که ایشان فقیهی شناخته شده بود، ولی همواره از پذیرش مرجعیت سرباز زد. تا این که بعد از فوت سیداحمد خوانساری، جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشت و پیش از فوت مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی اراکی، اجازه نشر رساله عملیه خویش را داد. سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از جمله حضرت آیت الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی، آیت الله جوادی آملی و... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال درخواست های مصرانه و مکرر راضی شد تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزید. مرجع عالی قدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت فومنی سرانجام در ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه بیست و دوم جمادی الاولی سال ۱۴۳۰ هجری قمری (برابر با بیست و هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ش) چشم از جهان فروبست.